

# گنره ۳

۳۰ ژانویه ۲۰۱۲ - ۱۰ بهمن ۱۳۹۰

سردبیر: خالد حاج محمدی hekmatist.congeres5@gmail.com

خالد حاج محمدی

## اختلافات در حزب حکمتیست

### مضمون اختلاف و جایگاه پلاتفرم هیئت دائم

مقدمه:

اخیرا و بدنبال اعلام سندی علنی از جانب جمع ۶ نفره در هیئت دائم دفتر سیاسی حزب حکمتیست، و اعلام تغییر ریل در حزب زیر پرچم "بازگشت به بحثهای حزب و قدرت سیاسی منصور حکمت"، شاهد عروج اختلافات و دوشقه شدن حزب و کل تشکیلاتهای آن هستیم. با هر تبیین و ارزیابی که هر جمع و هر کسی از مضمون اختلافات و دلایل آن دارد، بر کسی پوشیده نیست که این اختلاف و انشقاق به انتهای خود رسیده است و حزب اکنون یک مجموعه واحد نیست. در این خصوص تا کنون بحثهای زیادی از جوانب مختلف شده است. اینجا من نیز تلاش میکنم در این نوشته به جنبه های مختلف و سوالات واقعی که هر ناظری میتواند داشته باشد، بپردازم. تلاش میکنم به تاریخ اختلافات و دلایل آن و به جایگاه پلاتفرم هیئت دائم اشاره کنم. همزمان به جنبه های مختلف دیگری که در این دوره کوتاه در میان ما مورد اشاره قرار گرفته است، به جایگاه سیاست، به رهبری و درکهای متفاوت در مورد آن، به موازین سازمانی و مسائلی از این قبیل حزب بپردازم. با این مقدمه کوتاه وارد اصل بحث میشوم.

#### اختلاف بر سر چیست؟

بدون تردید در میان ما اختلاف سیاسی هست و این نه جدید و نه مایه تعجب است. حزب حکمتیست قرار بود فرقه ایدئولوژیک و مذهبی نباشد و به رسمیت بشناسد که این حزب گرایشهای مختلفی را در خود دارد و در این حزب از کسی امتحان ایدئولوژیک گرفته نمیشود. ما **صفحه ۵**

ثریا شهابی

## عروج و افول جنبش سبز

### آغازی دیگر برای حزب حکمتیست

کارگری، به سمت اپوزیسیون راست چرخش کرد. در مورد دلایل این چرخش، اظهار نظرهای زیادی شده است، که موضوع مورد بحث این نوشته نیست. پس از این چرخش، بستر رسمی اپوزیسیون جمهوری بستر رسمی اپوزیسیون حکمت، در انحصار کمونیسم اسلامی در خارج کشور، به سرنگونی طلب جمهوری کارگری بود. پس از مرگ تدریج به انحصار جریانات اسلامی در خارج کشور، پیشتر منصور حکمت، پیکره اصلی راست در اپوزیسیون جمهوری و تا پیش از مرگ منصور بخش خارج کشور کمونیسم اسلامی درآمد.

صفحه ۲

دفتر سیاسی

### پیش نویس آئین نامه کنگره پنج حزب

صفحه ۱۴

آذر مدرسی

### به: نمایندگان کنگره پنجم حزب حکمتیست

صفحه ۴

خالد حاج محمدی

### قابل توجه نمایندگان کنگره، اعضا و کادرهای حزب

صفحه ۱۴

ثریا شهابی

## این تازه آغاز کار است!

کنار آن "زندگی" کرده ایم، با این وجود باید اعتراف کنم که برای من حیرت انگیز است. تصور اینکه بتوان به دنیای بیرون، و به اذهان سالمی که با سرعت اتفاقات و متاسفانه تنزل فرهنگ و منش سیاسی - اعتماد به صف "رهبران در میان جمع تحت رهبری تشکیلاتی این رفقا را می کمونیست" مینگرد، "پشتک هیئت دائم چنان سریع است، که شناسیم، و در مورد آن بارها و وار زد" "پلتیک زدن" و با وجود اینکه ما در رهبری بارها گفته ایم، با اینکه بسیاری کمال معذرت از خوانندگان در حزب حکمتیست، سنت و از ماسی سال در چپ ایران در روز روشن **صفحه ۱۲**

اسعد کوشا

## دو بعلاوه دو میشود پنج؟

صفحه ۴

## دو قرار پیشنهادی

## فرمهای مربوط به شرکت در کنگره

صفحه ۱۴

صفحه ۱۳

اسعد کوشا

## هزینه شرکت در کنگره قابل توجه نمایندگان و ناظرین

- ۱- ورودی برای ناظرین ۲۵ یورو میباشد
- ۲- هزینه محل خواب، صبحانه، ناهار و شام برای دو روز و هر نفر ۷۰۰ کرون سوئد، ۸۰ یورو، ۱۰۰ دلار آمریکا، ۶۵ پوند و ۱۰۵ دلار کانادا
- ۳- ژتون نهار دو روز، بدون محل خواب، ۱۵ یورو است
- ۴- هزینه محل خواب، صبحانه، ناهار و شام برای کودکان هر روز ۲۰ یورو - سوبسید کودکان را کنگره پرداخت میکند

در محل کنگره امکان نگهداری از کودکان از ساعت ۸ صبح تا ۶ بعدازظهر فراهم است

## جهت پرداخت هزینه شرکت در کنگره لطفا با مسؤلین زیربط تماس بگیرید

اسکاندیناوی: یدی گلچینی  
آلمان، بلژیک، هلند و سویس: لادن داور  
انگلستان، آمریکا و کانادا: نظیره معماری

شماره حساب ما در سوئد:

نام بانک: PLUSGIROT

دارنده حساب: I.K.F.I

شماره حساب: 377639-0

مصوبات و جهت‌گیریهای رسمی حزب، ابراز وجود کرده است. "حزب تعدد نظرات و وحدت عمل"، از جمله با به رسمیت شناختن این گرایش، و با فراهم کردن شرایط و امکان زیست مشترک آن با خط رسمی حزب، مفهوم واقعی پیدا کرد. تعدادی از سخنگویان سیاسی و روشن‌تر این گرایش، با نقد و با به چالش کشیدن سیاست‌ها و جهت‌گیریهای حزب حکمتیست، رسماً بعنوان اپوزیسیون این حزب، صفوف این حزب را ترک کردند. اما پیکره اصلی گرایش چپ خرده‌بورژوا - سنتی در حزب حکمتیست، اساساً در سکوت و با توسل به گلایه و شکایت از مسائل "تشکیلاتی"، و بهانه‌گیری از "رفتارهای اخلاقی شخصی این و آن"، با سیاست‌های رسمی حزب حکمتیست کمابیش میگردید و با این تغییر در موقعیت اپوزیسیون رسمی، در رهبری حزب حکمتیست بازتاب جدی پیدا کرد و موجب سرباز شدن شکافی در سطح رهبری آن شد. شکافی که در سطح خود را در مناسبات سازمانی و تشکیلاتی، بروز داد. قطب چپ اپوزیسیون "رسمی" جمهوری اسلامی در خارج کشور، اپوزیسیونی است که به خاطر برجسته شدن رهبری حزب و چپ و کمونیسم کارگری، خود را با حزب حکمتیست هم خانواده" میدانند. "هم خانواده" که ریشه آن اساساً به تاریخ مشترک، و بخشا به وجود این گرایش در حزب حکمتیست، مربوط است. گرایش "چپ سنتی به خود مشغول"، در درون حزب حکمتیست از روز تشکیل این حزب وجود داشت و با این حزب متولد شد. گرایشی که در مقاطع مختلف، و به اشکال مختلف، در مقابل

امروز بستر رسمی جمهوری اسلامی در خارج کشور، چه راست و چه چپ آن، پدیده جدیدی است که راساً و به اعتبار خود، نقشی در تحولات سیاسی ایران، ندارد. این اپوزیسیون زمین گیر و درمانده که تماماً به سرانجام شکاف دول غربی با جمهوری اسلامی چشم امید دوخته است، دستش از دخالت مستقلانه در سرنوشت جامعه ایران، کاملاً کوتاه شده است. از صف سازمانها و احزاب "پروسبز" و "پرو دوحرداد"، تا سلطنت طلبان و انواع احزاب و سازمانهای چپ خرده بورژوا - سنتی به خود مشغول و سرگردان در انتظار معجزات فشارهای دول غربی برای "نجات ایران"، از این انتخابات تا آن انتخابات، امروز را به فردا می‌رسانند. این واقعیت و این تغییر در موقعیت اپوزیسیون رسمی، در رهبری حزب حکمتیست بازتاب جدی پیدا کرد و موجب سرباز شدن شکافی در سطح رهبری آن شد. شکافی که در سطح خود را در مناسبات سازمانی و تشکیلاتی، بروز داد. قطب چپ اپوزیسیون "رسمی" جمهوری اسلامی در خارج کشور، اپوزیسیونی است که به خاطر برجسته شدن رهبری حزب و چپ و کمونیسم کارگری، خود را با حزب حکمتیست هم خانواده" میدانند. "هم خانواده" که ریشه آن اساساً به تاریخ مشترک، و بخشا به وجود این گرایش در حزب حکمتیست، مربوط است. گرایش "چپ سنتی به خود مشغول"، در درون حزب حکمتیست از روز تشکیل این حزب وجود داشت و با این حزب متولد شد. گرایشی که در مقاطع مختلف، و به اشکال مختلف، در مقابل

مجموع حزب حکمتیست در برای خود "سرنیاه سیاسی" معتبری میدانست. امروز "راست و خارج"، "اپوزیسیون مردمی" که در این واقعیت، خود را در شکل و روینا و سطح، در مسائل تشکیلاتی و سازمانی از آزادیهای سیاسی و مدنی در رهبری حزب حکمتیست منعکس کرد. اما بسرعت مسائل و معضلات اپوزیسیون چپ خرده بوروایی، آرزوها و آملهای آن چپ، دروازه رهبری حزب حکمتیست را از پاشنه کند! و خود را به آن تحمیل کرد. تغییر موقعیت گرایش چپ خرده بورژوا در حزب حکمتیست، اساساً از یک طرف حاصل فشار این جنبش از بیرون بر روی حزب حکمتیست بود، و از طرف دیگر از تضعیف کارگر، به اندازه کافی برای رهبری کمونیستی در حزب (خارج شدن کورش مدرسی از رهبری)، تغذیه میکرد. این فشار و این شرایط، ریشه بحران در رهبری حزب حکمتیست است.

**دنیای بیرون**

نگاهی به دل مشغولیت‌ها، مسائل و سیمای بخش اصلی اپوزیسیون راست، از "سبز اسلامی" تا "نیلی سلطنتی"، و در پرتو آن نیم‌نگاهی هم به صف چپ خرده بورژوا به خود مشغول، به خوبی مسائلی که به رهبری حزب حکمتیست تحمیل شد را، بازگو میکند. برای روشن تر کردن این ادعا، لازم است که به صف اپوزیسیون، نگاه کوتاهی بیندازیم.

شکست جنبش سبز، بعنوان اصلی‌ترین اپوزیسیون درون خانوادهی بورژوایی برای دست بردن قدرت در ایران، توازن قدرت بین مردم و جمهوری اسلامی، بین طبقه کارگر و حاکمیت بورژوایی در ایران، بین اپوزیسیون جمهوری اسلامی با هم و با حاکمیت را تماماً دستخوش تغییرات جدی کرد. عروج و افول جنبش سبز، دپرسیون عظیم سیاسی در

همگانی برای به قدرت رساندن اسلام سبز، دیگر برایشان "دل و دماغی" باقی نمانده است، با حفظ عشق و علاقه زیاد به توده ها و قدرت انقلاب توده ای، از توده ها نا امید شده، رسماً دنباله رو انواع کمپین های دول غربی شدند. و دخیل شان را از درخت عقیم اسلام سبز باز کردند و آن را به حرم مقدس ناتو و سازمان ملل، گره زدند. این طیف چپ خرده بورژوا و فرصت طلب، هر روز به امید محصول دادن یک نیروی فشار دول معظم و رقیب جمهوری اسلامی، از این کمپین به آن کمپین روان اند. یک روز بدنبال وزیر خارجه آلمان، روز دیگر به بدنبال کمپین خانم کلیتون و آقای سارکوزی، در راه "تسکین وجدان مبارزاتی" خود، مشغول "زندگی سیاسی"، در "اردوگاهها" و سرپناه هایی بنام احزاب و سازمانهای چپ اند.

قطب چپ و راست این نوع بخصوص از اپوزیسیون، خواهان نوع بخصوصی از "سرنگونی" جمهوری اسلامی است. و بدنبال سرنگونی یا به همت جناحی از حاکمیت یا دول غربی، پاندول وار در نوسان است. این دو قطب چپ و راست یک جنبش، طبعاً انتقاداتی، به کم کاریها یا زیاده رویهای همدیگر، هم دارند. یکی به راست روی های "زیادی" شاهزاده انتقاد میکند، و دیگری به چپ روی های "زیادی" ساکنین سرپناههای سیاسی احزاب و سازمانهای چپ حاشیه ای در خارج کشور. با انتقاد و بی انتقاد، این دو صف، قطب های راست و چپ یک جنبش، آنهم جنبش ناسیونال رفرمیست ایرانی، کرد و فارس، اند. ناسیونال رفرمیسمی که در بی افقی و

استیصال، امروز بدنبال انواع سناریوهای مخرب و سیاه در سیر سرنگونی جمهوری اسلامی، روان شده است. به سناریو عراق و لیبی برخی انتقادات درون خانوادگی دارد. اما شکل و جنس تغییری که در ایران جستجو میکند قرار است از طریق همان نیروهایی که در عراق و لیبی تغییر ایجاد کردند، صورت بگیرد. و البته در مقابل مردمی که منجلا ب عراق و لیبی را به عیان می بینند و به سختی وعده متفاوتی برای ایران را میبپذیرند، طیف چپ این اپوزیسیون "امیدوار"، اعلام میفرمایند که "از آنجا که سوسیالیسم ضرورت تاریخ است" و این "چپ هم در صحنه است"، بنابراین محصول "انقلاب منتج از دخالت ناتو"، همانا "انقلاب انسانی" و یا "کارگری" خواهد بود. و قطب راست این جنبش هم، با اطمینان قول میدهند که از آنجا که ایران فرهنگ و تاریخ غنی دارد و سرزمین پارسی های پرافتخار و شیرمردان و شیرزنان کرد و ترک و بلوچ و عرب است، عواقب فشارها و دخالت ارتجاع امپریالیستی غرب برای ایران از نوع عراق و لیبی نخواهد بود، و آزادی و دموکراسی برای ایران قطعی است! وعده ای که خود تحلیل گران پنتاگون و ناتو نه تنها نمی دهند، که در مورد تکرار به مراتب مخرب تر سناریوهای عراق و لیبی در ایران، به تجهیز سیاسی - تبلیغی خود مشغول اند!

ناسیونال رفرمیست های ایرانی ما، کرد و فارس، که پس از شکست اپوزیسیون اسلامی سبز، امید و اعتقادشان به این که نیروهایشان از پائین بتواند راساً منشا اصلاحات و رفرمهایی باشند را تماماً از دست داد، تماماً به نیروهای پشت جبهه کمپین های

مختلف "حقوق بشری" و "امتی" و "میلیتاریستی"، و تحریم سیاسی و اقتصادی، غرب تبدیل شدند. جنبش ناسیونال رفرمیستی ایران، قطب راست و چپ آن، پس از عروج و افول سبز، بخش اعظم خرده بورژوازی ناراضی شهری را با خود همراه کرد. خرده بورژوازی شهری و ناراضی که در صورتیکه طبقه کارگر در راس تحولات سیاسی جامعه باشد، با آن همراه میشود. این بخش عظیم از پتانسیل و نیروی اعتراضی در جامعه، با عروج و افول سبز، تماماً به دنبال رهبران جنبش ناسیونال رفرمیستی روان شد و با شکست و عقب نشینی آن جنبش، سرخورده شد و عقب نشست. اکتویست های آن در ایران در انتظار فرجی، و به امید محصولات شکاف بین دول غربی و جمهوری اسلامی، به لاک خود خزیدند و مشغول جنگ برای "مطالبات" محدود و مشروعی که در جمهوری اسلامی مجاز است، شدند. و بخش خارج کشوری آن، به سرپناههای سیاسی که بر آنها نام سازمان و احزاب چپ و کمونیست گذاشته اند، عقب نشست. و به برگزاری برخی مراسم سیاسی و کمپین های اعمال فشاری رضایت داد. و خود را تا اطلاع ثانوی که جریانات اصلی اپوزیسیون راست تعیین کنند، مشغول نگاه داشته است. نیم نگاهی به سایت های رنگارنگ و بسیار مشغول طیف وسیعی از اپوزیسیون چپ، که در صدور اطلاعات و ابراز موضع و ابراز نظر و تحلیل، بدون داشتن کمترین نقشی در سازماندهی مبارزات طبقه کارگر و دخالت در اعتراضات مردم، فعال ترین اکتویست های جهان را در خود جای داده است، گواه این به خودمشغولی است. به خود مشغولی که قرار است به این

ترتیب نیرهایش را در فاصله دو "اپیزود" از تحركات جریانات اصلی راست در اپوزیسیون، مشغول و در صحنه نگاه دارد.

**تلاقی سرخوردگی چپ خرده بورژوا با حزب حکمتیست**

از این بررسی به حزب حکمتیست باز گردیم. مقدمتاً "حزب حکمتیست، بعنوان یک حزب سیاسی، از روز تشکیل، خود را در مقابل فرقه های سیاسی - مذهبی، یک حزب غیر کارگر، در دل جدالهای سیاسی در جامعه است و بر سر منافع طبقه کارگر هیچگونه سازشی نمی کند. این نقش برجسته این حزب که با وجود به رسمیت شناختن انواع گرایشات در درون خود، میتواند یک فعالیت متحد و منضبط و حتی نظامی را در شرایط مخفی و علنی سازمان دهد و پیش ببرد. در این حزب انواع گرایشات، و از جمله چپ غیر کارگری، چپ و نیلی، اسلامی یا غیراسلامی در ایران، نه از افق آمال و آرزوهای بورژوا ناراضی و حتی روستایی فراتر نمی رود، در کنار گرایش اصلی آن که گرایش کمونیسم کارگری و حکمتیست است، وجود داشت و وجود دارد. در حزب حکمتیست کسی از کسی امتحان اپیدئولوژیک نمی گیرد. حزب سازمان دادن یک فعالیت سیاسی - اجتماعی وسیع است، نه فرقه همفکران و هم مسلکانی که بود، و نبود، اکتیو یا پاسیو بودنشان تاثیر اجتماعی مهمی در زمان خود ندارد. این حزب، بعنوان یک حزب تملق متقابل، یا زندگی سیاسی با هم و دست در مشت با هم و دست در دست برای یک امر اجتماعی تشکیل شده است. این تفاوت یک حزب سیاسی با سکت های اپیدئولوژیک - سیاسی، دستجات ملی و مذهبی و

## دو بعلاوه دو میشود پنج؟

رفیق رحمان، "اطلاعیه پلنوم" را بدقت خواندم و هرچه جمع و تفریق کردم، حساب اکثریت شدن تعداد اعضای اصلی کمیته مرکزی حاضر در جلسه برابرم جور نشد.

اگر زحمت کشیده بودید و لیست اسامی ک.م. حاضر در نشست را هم منتشر میکردید. شاید کنجکاوای رفقای مثل من پاسخ میگرفت.

لذا من بر مبنای داده های علنی موجود، جمع و تفریق کرده ام، شما بگوئید کجای محاسبه من اشتباه است.

تعداد اعضای اصلی کمیته مرکزی ۴۲ نفر است.

تعداد اعضای علی البدل کمیته مرکزی ۶ نفر است.

تعداد اعضای اصلی مستغفی ۴ نفر است.

تعداد اعضای اصلی کمیته مرکزی (منهای استعفاها و منصرفین) که علنا اعلام کردند در پلنوم شرکت میکنند ۲۰ نفر است. (رفقا رحمان حسین زاده،

فاتح شیخ، آزاد زمانی، ابراهیم باتمانی، اسماعیل ویسی، جمال کمانگر، حسین مرادبیگی، رحمت فاتحی، رسول بناوند، سعید آرمان، سلام زیجی، سوسن هجرت، صالح سرداری، عبدالله دارابی، فرهاد رضائی، ملکه عزتی، ناصر مرادی، همایون گدازرگر، رضا دانش و ندا شکیبیا)

برای اینکه پلنوم برسمیت برسد میبایست نصف بعلاوه یک یعنی ۲۲ عضو اصلی حضور داشته باشند (و یا طبق سنتی که در پلنوم ۲۱ گذاردید عضو غایب رای خود را به رفیق دیگری داده باشد، مانند رفیق رضا دانش)

با سپاس از توجهتان به جزئیات

۲۴ ژانویه ۲۰۱۲

در این معادله ۲ نفر کم میآوریم!

حتی اگر استعفای رفقا را نشست شما با شتاب و اشتیاق پذیرفته باشد! (که این

قومی، است. وجود انواع گرایشات در یک حزب سیاسی و همچنین در یک حزب کمونیستی، که خود را به جامعه مربوط میداند، به همان اندازه طبیعی است که در جامعه طبیعی است. در صف بورژوازی انواع و اقسام گرایشات و در صف طبقه کارگر انواع و اقسام گرایشات، وجود دارد. و این گرایشات در مقاطعی در همسویی و در مقاطعی در جدال اند. بورژوازی در کشورهای پیشرفته، و طبقه کارگر در تجربه بلشویکها، سنت تاریخی در تشکیل چنین احزاب اجتماعی دارند. مسئله نه وجود گرایشات مختلف در حزب حکمتیست، که بر سر نحوه سوخت و ساز، همسویی و تقابل، این گرایشات است. حزب حکمتیست در این زمینه گنجینه غنی از دستاوردهای مکتوب دارد. دستاوردهایی که متأسفانه در شکاف جاری در میان گرایشان مختلف در رهبری حزب، توسط گرایش خرده بورژوا سنتی تماماً زیر پا گذاشته شد.

اگر این تجربه برای حزب حکمتیست درسی داشته باشد، آن درس فراهم کردن شرایطی است که در آن هرگز گرایشات مختلف سیاسی در حزب، به شکلی که گرایش خرده بورژوا سنتی به حزب تحمیل کرد، قادر نباشند عمل کنند. حزب حکمتیست باید امر تبدیل شدن به حزب تعدد نظرات و وحدت عمل، را مجدد بررسی کند. و برای تأمین و تضمین آن، کار کند.

در این مورد، در مقالات بعدی به تفصیل نوشته خواهد شد.

## به: نمایندگان کنگره پنجم حزب حکمتیست

با توجه به اینکه دستور اصلی کنگره جمع بندی از رویدادهای ایندوره حزب حکمتیست است. دفتر سیاسی تصمیم دارد برای کمک به داشتن تصویری ابژکتیو از وضعیت رهبری منتخب کنگره چهار و مباحث طرح شده در ارگانهای رهبری حزب تمام اسناد مربوط به ایندوره (فاصله کنگره چهار و پنج) را برای تمام نمایندگان ارسال کند.

لطفا در صورت عدم دریافت اولین محموله از اسناد تا روز پنجشنبه دو فوریه با آدرس ای میل کنگره تماس بگیرید.

با احترام

آذر مدرسی

از طرف دفتر سیاسی حزب حکمتیست

از صفحه ویژه برگزاری کنگره ۵ حزب دیدن کنید:

<http://hekmatist.com/kong5/vige-kong5.html>

## اختلافات در حزب....

از همان اولین روز تشکیل این حزب به روشنی اعلام کردیم ما حزبی سیاسی میسازیم، که اختلاف نظر در آن برسمیت شناخته میشود، که اتحاد در حزب نه بر مبنای تحلیل و تبیین، بلکه بر مبنای مصوبات رسمی است. گفتیم ما تبیین و تحلیل و تئوری را به رای نمیگذاریم. گفتیم استنتاجات عملی باید به صورت سند جهت تصویب در ارگانهای ذیصلاح به رای گذاشته شود و حزب بر مبنای کار کند. گفتیم حزب حکمتیست حزب تعدد نظر و وحدت اراده است، و وحدت اراده چیزی جز وحدت حول مصوبات و سیاستهای رسمی نیست. و همزمان گفتیم ما مبارزه سیاسی مخفی نداریم، هر بحث سیاسی، تئوری و هر تحلیل و نقد سیاسی، باید روشن و شفاف بیان شود. مبارزه شفاف، علنی و روشن را شرط سلامت حزب و مکانیزم سیاسی و سالم در مبارزه سیاسی تعریف کردیم. متناسفانه بروز اختلافات در حزب نشان داد که هنوز سنتهای قدیمی تر، سنت بحث شفاف نکردن، سنت سکوت کردن و اعلام ظاهری توافق و منتظر فرصت و توازن مناسب برای ابراز وجود سیاسی کردن، سنت رهبری به شیوه سنتی، سنت بحث در دالانها و محافل به جای بیان شفاف و روشن سیاست و نقد خود و دفاع صریح از آن رو به جامعه، قوی است. یا به هر حال هنوز سنت چپ فرقه ای در مبارزه سیاسی با همه دستاوردهای با ارزش این دوره ما، جابخش کرده و در هر تند پیچی نمایان میشود. چیزی که در این دوره و یکبار در حزب سرباز کرد، بیان این حقیقت بود که به آن میپردازم.

ظاهر قضیه امروز چنین به نظر میرسد که شروع

اختلافات در حزب حکمتیست از انتشار پلاتفرم هیئت دائم است. این تصویر درست نیست، من به جایگاه پلاتفرم هیئت دائم به عنوان پرچم رفقای ناراضی و اعلام آن به نام حزب بعدا میپردازم. اما در دنیای واقعی شروع اختلافات به پلنوم ۱۵ کمیته مرکزی این حزب که در تاریخ ۱۴ و ۱۵ شهریور ماه ۱۳۸۸ برابر با ۵ و ۶ سپتامبر ۲۰۰۹ برگزار شد، بر میگردد. مصوبات پلنوم ۱۵ که ظاهرا همه روی آن توافق داشتند و برای دومین بار در پلنوم ۱۷ کمیته مرکزی مورد تاکید قرار گرفت، و باز در پلنوم ۲۱ کمیته مرکزی یکبار دیگر به اتفاق آرای همه شرکت کنندگان، جز یک رفیق که رای ممتنع داد، بر درستی کل سیاستهای حزب تاکید شد، در حقیقت مقطع شروع بروز اختلافات است.

## جایگاه پلنوم پانزده حزب

محور اصلی اولویتهای پلنوم ۱۵ بر دو پایه استوار است. یکی ساختن حزب در ایران و دیگری تاکید به کار در میان طبقه کارگر و خصوصا پرولتاریای صنعتی ایران. سند اولویتهای حزب ما در پلنوم ۱۵ یک روزه ظهور نکرد، بلکه نتیجه بحثهای مهمی در این حزب قبل از پلنوم در اجلاس دفتر سیاسی و ارگانهای رهبریش بود که سرانجام در پلنوم چکیده فرموله آن به صورت اولویتهای حزب تصویب شد. سند در حقیقت پافشاری جدی بر جهتی بود که حزب حکمتیست از روز اول تشکیل خود بر اهمیت آن به عنوان بخشی هویتی از سیاست خود انگشت گذاشته بود. مهمترین مولفه های سازمانی آن از این قرار بود:

-اینکه کمیته کردستان در خارج کشور عمر کوتاهی دارد، و باید مثل هر کمیته محلی و منطقه ای در پروسه

ای به خود ایران منتقل شود، -اینکه نمیتوان کمیته کردستان و تهران و تبریز و اصفهان را در اروپا ساخت، و پایه های تشکیلات ما باید به خود جامعه ایران منتقل شود،

-تاکید بر کار در میان طبقه کارگر و خصوصا پرولتاریای صنعتی ایران، -تلاش برای تبدیل شدن سوالات و مشغله های این بخش به مشغله رهبری این حزب،

-اعلام اینکه پراتیک روزانه حزب بر خلاف جهت ها و سیاست ها و مصوبات آن به زندگی این بخش کم مربوط است، و تلاش آگاهانه و با برنامه برای رفع آن

-تغییر در آرایش سازمان رهبری حزب و تطبیق سازمان حزب در خدمت جویگویی به این نیازهای اصلی در چهارچوب موازین حزب

این جهت گیریها و ضرورتهایی که پلنوم پانزده بر سر آن توافق کرده بود، اعتراض تعدادی از رهبری حزب و تعدادی از اعضا هیئت اجرایی کمیته کردستان را برانگیخت. اعلام اینکه چنین کمیته هایی نمیتواند تا ابدیت زندگی در خارج را برای خود تعریف کنند و باید طی پروسه ای و با نقشه ای آگاهانه و با استفاده از همه امکانات حزب، با استفاده از اتوریته همه رهبران و فعالین خوشنام و علنی این حزب، حزب و کمیته هایش را در ایران ساخت، تعدادی را ناخوشنود کرد. عده ای احساس کردند مقام و موقعیت فردی آنها لطمه میخورد. اینکه حزب چگونه به حزبی واقعا کارگری و دخیل در مبارزه روزمره این طبقه تبدیل میشود، اینکه این حزب چگونه به ظرف اتحاد رهبران کمونیست طبقه کارگر تبدیل میشود و اینکه

این حزب چگونه به ابزار انقلاب و و ظرف سازمان انقلاب پرولتری مورد ادعا تبدیل میشود، از دستور بخشی از رهبری عملا خارج شد. و جای آن را جایگاه "من"، "تاریخ من"، "گذشته من" و "اعتبار و موقعیت رهبری من" در ذهن و عملکرد تشکیلاتی این بخش از رهبری حزب گرفت. ما در تمام طول زندگی حزب پس از پلنوم پانزده با این پدیده روبرو بوده ایم که خود را به انحاء مختلف در مقابل پیشروی حزب در این عرصه قرار داد.

مشکلی که در کل این پروسه و تا هم اکنون موجود است، این است که این بخش از رفقا

هرچوقت بحث خود را مطرح نکردند. و از مقطع پلنوم پانزده تا پیش از سرباز کردن اختلافات در رهبری حزب، یک صفحه نوشته از این رفقا در نقد جهت گیریهای تا کنونی حزب، و حتی در نقد اولویتهای پلنوم ۱۵، به تشکیلات حزب و به جامعه نشان داده نشده است. تمرکز کار تشکیلاتی ما در ایران و در جایگاه کمیته سازمانده، که از پلنوم پانزده بطور ویژه شروع شد. نارضایتی و اعتراض این بخش از رفقا را حول خواست "بازگرداندن اختیارات تشکیلات شهرها به کمیته کردستان" متشکل کرد و از آن تاریخ به بعد این یکی از مسائل مورد مناقشه در حزب شد.

علاوه بر مسئله انتقال سازمان حزب و کمیته هایش، و از جمله کمیته کردستان، به داخل، مسئله تاکید بر کار در میان طبقه کارگر و خصوصا پرولتاریای صنعتی ایران و ... باز اعتراض بخشی از رهبری حزب را برانگیخت. اینجا هم همان بخشی که اساسا از تجربه فعالیت در کردستان آمده بود، و در تجربه سیاسی خود صرفا نوعی از مبارزه در شرایط ویژه کردستان را می شناخت یا برسمیت میشناخت، در دالانهای تشکیلات، اعتراض میکرد! به جای برخورد نقادانه به پراتیک حزب، و برخورد نقادانه به فعالیت مشترک همه ما، مجددا به

از آن تاریخ به بعد ما شاهد رشد و خوندنمائی سنتی دیگر در تقابل با موازین و سنت سیاسی حزب حکمتیست در مبارزه سیاسی شدیم. و آنهم عدم بحث شفاف سیاسی، عدم بحث علنی و رو به جامعه، طرح نکردن بحث و اختلاف سیاسی خود به شیوه علنی، و در عوض پناه بردن به دالانهای حزبی و محافل. پچ کردن و غرولند جای مبارزه شفاف و علنی که اصول و مبانی تحزب ما بود را میگیرد. از این تاریخ به

## اختلافات در حزب....

بعد و طی پروسه ای و خصوصاً بعد از کنگره چهارم حزب، احکامی در کنار و حتی در اجلاس حزبی از جمله اینکه "باید به حزب و قدرت سیاسی منصور حکمت برگشت"، اینکه "حزب دو سال و سرانجام و در ادامه اعلام شد که ۴ سال است پاسیو است"، اینکه "گرایش کارگر کارگری" در حزب است، و اینکه یک "گرایش راست و پاسیفیستی" در حزب است، از جانب رفقائی در سطح دفتر سیاسی حزب طرح شد، بدون اینکه حتی یک نفر چند کلمه در وصف این احکام و در نقد سیاست معینی طرح کند و مصوبه ای را جهت مقابله با چنین گرایشات و انحرافات با به ارگانی حزبی بیاورد.

نزدیک شده است، بحثان را بکنید. نمیتوان احکام سنگینی در محافل نسبت به جهت گیریها و پراتیک حزب پرت کرد و بحثی هم نکرد. گفتیم که این شروع یک پروسه بازبینی و تردید در حزب است و گفتیم این نه جرم است و نه کفر. هر کسی حق دارد به پروسه راهی که آمده ایم نگاهی دوباره کند، حق دارد سیاستهای تاکتونی را نقد کند، اما باید اینها شفاف و روشن بیان شود و امکان قضاوت به حزب و جامعه داده شود. هشدار دادیم که راه مبارزه سالم سیاسی، بحث روشن و شفاف است که متأسفانه تا کنون هم شاهدش نیستیم. با این وجود بحث در محافل و پچ پچ کردن، بیشترین فعالیت سیاسی این جمع بود و یک لحظه متوقف نشد!

تنها امری که ما شاهد آن بودیم، آوردن قراری به پلنوم های حزب به نام "بازگرداندن اختیارات به کمیته کردستان" بود. و یا قرارهائی چون "دفاع از مبحث حزب و قدرت سیاسی"، بدون اینکه صاحب یا صاحبین قرار از این "بازگشت" به حزب و قدرت سیاسی، سیاستی از مصوبات را به چالش بکشند و یا پراتیک متفاوتی را جایش بگذارند. باز هیچ کدام و مطلقاً هیچ کدام از این رفقاً، نه پنج دقیقه بحث شفاهی، و نه یک سطر نوشته در نقد یا بیان شفاف بحث خود و روشن کردن مفهوم "این قرارها" را ندارند. بارها و در مقابل تقاضای ما در مورد پاسخ به ضرورت چنین قرارهائی، اعلام شد که این قرارها صرفاً یک میعاد مجدد با بحث های مهم منصور حکمت، و جهت تقویت آن است.

پرسیدیم اگر ادعا دارید که حزب حکمتیست از چیزی دور شده است و یا به چیزی

گفتم احکامی از جانب تعدادی از رفقای دفتر سیاسی، بدون کلمه ای بحث و جدل و نقد و تلاش برای اقناع، چون شبی بالای سر حزب بود که فضا را ناامن و نگرانی ایجاد کرد. رفیق فاتح شیخ قبل از پلنوم ۲۱ برای اولین بار اعلام کرد که گرایشی راست در حزب هست و "اگر رگ گردنش را هم بزنند" در مقابلش خواهد ایستاد! به رفیق فاتح گفتیم اعلام این برجسبهای سنگین از جانب کسی که در مقام رئیس دفتر سیاسی است، بدون یک کلمه بحث، تنها فضای حزب را ناسالم میکند. گفتیم این تلاشی برای "تصحیح"، اگر کسی معتقد است چیزی باید تصحیح شود، نیست. و در مبارزه سالم سیاسی و در میان کسانی که امر مشترکی برای مبارزه دارند، مردم پیش از "مارک راست و چپ" زدن به کسی، بحث مضمونی خواهند کرد. و تلاش خواهند کرد که دیگران را اقناع کنند و اگر لازم میدانند "تصحیح" کنند! و مارک زدن نه مسئولانه است و نه کاری جدی. گفتیم این حکم را بدون کلمه ای بحث پرت کردن جایز نیست. از او خواستیم اگر چنین فکر میکند، بعنوان رئیس دفتر سیاسی این حزب، وظیفه دارد روشن کند که مختصات این گرایش چیست، بروزات آن کدامند و نقد رفیق فاتح به کدام سیاستها که این راست را نمایندگی میکند است.

یاریف حمه سور و اعلام اینکه ۷ سال است نمیداند به چه رای داده است! معلوم نیست کسی که هفت سال است نمیداند به چه رای میدهد اولاً در رهبری این حزب چه میکند؟! و ثانیاً چرا اساساً برای این پست کاندید میشود؟! و ثالثاً چرا باید به خاطر این سکوت ۷ ساله و اعلام توافق غیر واقعی، دیگران را مقصر اعلام کرد؟! این چه افتخاری، و چه نقدی به حزب و رهبری آن است که شما ۷ سال بدون اعتقاد به سیاستهای این حزب، و بدون تلاش برای تغییر و یا تصحیح آن، به آنها رای داده اید. و سرانجام به خاطر سکوت، سازش و اپورتونیم سیاسی خود، به خود جایزه میدهید و دیگران را سرزنش میکنید!

همینطور در مورد ادعاهای امروز رفیق رحمان حسین زاده و تعداد دیگری از اعضا دفتر سیاسی که گویا حزب حکمتیست، "دو سال و یا چهار سال است پاسیو است!!" یا اینکه باید به حزب و قدرت سیاسی منصور حکمت برگشت! صاحبان این برجسبها هنوز هم و تا به امروز، نه مصوبه ای را نقد کرده اند، نه بحثی شفاف و روشن و مستقل و مستدلی ارائه داده اند.

پلاتفرم هیئت دائم، بخشی از همین فضا را به عنوان "لزوم تغییر ریل" و لزوم شنیده ایم که مخالف بحثهای

"برگشت به بحثهای حزب و قدرت سیاسی" پنهان کرده است. در ادامه این مطلب جایگاه این پرچم را توضیح میدهم.

### پلاتفرم هیئت دائم پرچم چوب حراج به حزب حکمتیست

رفقای ۶ نفره در هیئت دائم دفتر سیاسی حزب در تاریخ ۲۲ نوامبر ۲۰۱۱ جهت گیریهای خود را در سندی تحت عنوان "پلاتفرم سیاسی، عملی هیئت دائم دفتر سیاسی حزب حکمتیست" رو به جامعه منتشر کردند. برای این کار و با علم به مخالفت اعضائی از دفتر سیاسی و سردبیر کمونیست نشریه رسمی حزب، حتی منتظر نشست رسمی دفتر سیاسی نشدند. نامه های رد و بدل شده میان من رفیق رحمان حسین زاده قبل از انتشار سند در سایت حزب قابل دسترسی است. این سند بیشتر به پلنوم ۲۲ حزب به عنوان پلاتفرم رفیق رحمان حسین زاده آورده شد و همراه چند سند دیگر از جانب پلنوم کمیته مرکزی کنار گذاشته شد.

تجزیه تحلیل این پلاتفرم برای تعدادی، شاید بسیار تخصصی بنظر برسد. چرا که از همه چیز، از انقلاب پرولتری تا سرنگونی و کمیته های کمونیستی و ... گفته است. ممکن است کسی با خواندن آن بگوید که این سند ایرادی ندارد! مخالف مصوبات رسمی نیست! چرا که ظاهراً در مورد همه چیز گفته است.

اما برای کسانی که میدانند پشت ترم های معینی، چه سیاست هایی خوابیده است، کلی گویی های علی العموم نسبت به انقلاب پرولتری و ...، حاشیه است و اصل آن ترم ها و عبارات و فرامینی است که ظاهراً جزئی بنظر میرسد. همانطور که برای جنبش کارگری در

## اختلافات در حزب....

مهر خود را بر این وضعیت بگوید." در ادامه میخوانیم که: "وضع موجود حزب جواجوی این رسالت نیست و سرعت باید تغییر کند. حزب ما به تغییر ریل و دگرگونیهای اساسی احتیاج دارد تا به عنوان حزب کمونیستی دخیل در مبارزات طبقه کارگر و هدایتگر کل جنبش آزادی و برابری و رهایی انسان عروج کند. دل این تحولات پرچم انقلاب کارگری و سرنگونی فوری جمهوری اسلامی و بنیاد گذاشتن جمهوری سوسیالیستی به جای آن را برافرازد. با استنتاجات روشن و امروزی از مباحث اساسی "حزب و قدرت سیاسی" و "حزب و جامعه" تکان جدی به حیات سیاسی و دامنه تاثیر گذاری اجتماعی خود بدهد. پلاتفرم زیر گام تعیین کننده ای در این راستا است." (همه تاکیدها از من است)

در بندهای پلاتفرم که به عنوان اقدامات در دستور اشاره شده است میخوانیم که:

"- ایفای نقش رهبری به عنوان سخنگو و پرچمدار عروج مجدد مارکسیسم و کمونیسم حکمت"

"- تبلیغ و توده گیر کردن شعار جمهوری سوسیالیستی به عنوان حکومتی که باید با سرنگونی جمهوری اسلامی برقرار شود."

"- مقابله سرراست با سناریوی سیاه دخالت آمریکا و غرب برای ایران و سیاست ضد انسانی همگامی اپوزیسیون راست و چپ بورژوازی با آن" (همه تاکیدها از من است)

پلاتفرم هیئت دائم در حقیقت پرچم تغییر ریل حزب حکمتیست و اعلام مخالفت با خط تاکنونی حزب، زیر نام "ضرورت بازگشت" به بحثهای "حزب و قدرت سیاسی" منصور حکمت

است. این پلاتفرم پرچم سفیدی طیفی از رفقای حزبی ما به مخالفان تا کنونی این حزب و این خط سیاسی زیر نام "بازگشت" به منصور حکمت است. پیام دیگر پلاتفرم در جریان بودن یک انقلاب در ایران است که به آنهم خواهیم پرداخت.

مسئله قابل توجه دیگر این پلاتفرم، اعلام غیر صریح مخالفت با کمیته های کمونیستی مصوب کنگره دوم حزب زیر نام توازن قوا است که به آنهم اشاره ای خواهیم کرد. اشاره این سند به بحث شورا و مجامع عمومی که سیاست رسمی ما است، در حقیقت بیان اعتراض به دفاع ما از فعالین کارگری و تشکلهای موجود در این دوره و در مقابل تعرضی راست و ضد کارگری از جانب حزب کمونیست کارگری ایران و انواع محافل حاشیه ای دیگر، به نام دفاع از مجامع عمومی و شورا و مقابله با "سندیکالیست"، است. بقیه سند تکه های پراکنده از انواع اولویتهایی است که در دوره های مختلف در اسناد ما یا نوشته های منصور حکمت، قیچی شده و خارج از زمان و مکان به هم دوخته شده است.

خاصیت جمع آوری تکه های پراکنده از بحثهای منصور حکمت، اعلام وفاداری سطحی هیئت دائم به مباحث مارکسیستی منصور حکمت، خارج از زمان و مکان است. در حقیقت و خارج از هر نیت خیری، اعلام وفاداری به حکمت و مباحثات مارکسیستی او، سرمایه گذاری بر اعتماد عمیق کمونیستهای این حزب به منصور حکمت، برای پیشبرد یک جهت غیر مارکسیستی و حاشیه ای است که این رفقا به آن بازگشته اند.

خط باز نگری و پرچم تغییر ریل

نظری، سیاسی و .. است. بلند کردن پرچمی در مخالفت با سیاستهای تا کنون حزب است، پرچمی از درون حزب و زیر نام رسمی حزب رو به جامعه. کاری که در دنیای واقعی کلاهدراری اسم دارد و بر مبنای موازین حزبی ما ممنوع است و هر مرجع حزبی چنین اقدامی کند عملاً از مشروعیت افتاده است و صلاحیت خود در عضویت ارگانش را از خود گرفته است. محور مسئله همچنانکه در پلاتفرم اشاره شده است، این است که این حزب روی خط منصور حکمت نیست، باید تغییر ریل بدهد، به مباحث حزب و قدرت سیاسی باز گردد و متکی شود. و خلاصه با اقداماتی که گذاشته است نوید عروج مجدد مارکسیسم و کمونیسم حکمت را میدهد. صاحبان پلاتفرم در حقیقت اعلام کرده اند که آنها مخالف سیاستهای تاکتونی حزبند، که آنها نماینده "بازگرداندن و عروج مجدد کمونیسم" منصور حکمت اند، که از این حزب رخت بر بسته است. این پیام سرراست و در حقیقت خاصیت این پلاتفرم است. اینک جمعی در حزب حکمتیست به این نتیجه رسیده اند که سیاستهای تا کنونی این حزب مارکسیستی نیست، و راهی که آمده ایم نادرست است و باید به ریل مورد نظر رفقا تغییر مکان دهیم، جای ایرادی نیست. هر انسان سیاسی میتواند برگردد و به مواضع گذشته خود نگاه کند، میتواند در آنها بازنگری کند و میتواند آنها را به نقد بکشد. این نه تنها اشکال نیست بلکه میتواند مثبت و پیشبرنده هم باشد. اما بدواً باید گفت و نوشت و استدلال کرد. راهی که ما آمده ایم، اسنادی که منتشر کرده ایم، و آنچه امروز در جامعه خوب یا بد به اسم حکمتیست شناخته میشود، نتیجه تلاشی همه جانبه و صدها بحث

مخالفت با این حزب و اعلام اینکه این حزب روی خط حکمت نیست، جدا از برداشت عمیقاً فرقه ای و مذهبی رفقا از خط حکمت، بلند کردن پرچم سفید و اعلام پیوستن به همان جریاناتی است که ۸ سال است همینها را میگویند و همه ما و از جمله خود این رفقا جوابشان را داده ایم. متوجه نیستند که نمیتوان شبانه و دور از چشم مردم و به نام اینکه من "رهبرم"، به این شیوه، حزب را به مخالفان آن تسلیم کرد. این حزب و خط آن، قابل چوب حراج زدن نیست! قابل فروش و تسلیم نیست! و عبور از این خط قرمز را کسی نمیبذیرد. نگهبان قلعه در دل یک جدال بدون اطلاع صاحبان قلعه، اجازه ندارد قلعه را تسلیم کند و پرچم

اروپا، لیبرالیزه کردن، اصلاحات، عقلایی کردن و ... همه و همه معنای چرخش به یک سیاست راست روانه جدید دولت را دارد، همانطور که برای جنبش کارگری عبارات "بهبود" و "رشد" و .. نه به خاطر معنای زیبای این کلمات در فرهنگ لغات، بلکه به اعتبار تاریخی از سیاست های راست روانه دول بورژوازی برای قطع مزایای اجتماعی و بیکاری و ... مستقیماً به معنی چرخش جدید و دست راستی تری در سیاست دولت است! برای ما هم که پشت عبارات "تغییر ریل" و "توازن قوا" برای ایجاد کمیته های کمونیستی، میدانیم چه بحث ها و انتظارات و سیاست هایی خوابیده است، پلاتفرم بیانگر یک سیاست کاملاً متفاوت و جدید است.

اینجا تلاش میکنم پرچمی که این پلاتفرم به عنوان اعلام نارضایتی از خط و سیاست تا کنونی حزب نمایندگی میکند، و هیئت دائم به شکل محفلی عهده دار این نمایندگی است را روشن کنم و همزمان چند پیام دیگر پلاتفرم این رفقا را که گوشه ای از نظرات آنها را در بر دارد نقد کنم.

اجازه بدهید به پلاتفرم این رفقا بپردازم. در پلاتفرم آمده است: "زیر تاثیر بحران اقتصادی جهان سرمایه، تحولات مهم خاورمیانه و شمال آفریقا و معضلات اقتصادی و سیاسی بورژوازی ایران و هیئت حاکمه جمهوری اسلامی، تحولات مهمی در چشم انداز است. جنبش ها و جریانات مختلف برای کوبیدن مهر خود بر این تحولات در تکاپویند. جنبش طبقه کارگر و صف متمایز کمونیستی کارگری هم میتواند و باید

## اختلافات در حزب....

حکمتیست را پائین بکشد، و برای لشکر مخالفین در بیرون قلعه پرچم سفید علم کند. اگر میخواستید چنین کنید، چرا پذیرفتید که نگهبان قلعه باشید؟ چرا تصمیم خود را قبل از پذیرفتن تان از جانب اعضا قلعه به عنوان پاسدار قلعه، قبل از انتخاب شدن به اعضا قلعه اعلام نکردید؟ و مگر در چنین شرایطی تنها کار اصولی نمی بایست منع شما از نگهبانی و کشاندن تان به جمع اعضا قلعه باشد؟ یعنی کاری که ما، در دفتر سیاسی، کردیم. و هیئت دائم آنرا "زیر پانهان موازین" می نامد که به آن در جای خود میپردازم. همچنانکه اشاره کردم مشکل نفس اختلاف نظر و مخالفت رفقا با سیاستهای حزب حکمتیست نیست، مشکل تلاش برای یک کلاهبرداری بزرگ به نام حزب و با امضای رسمی حزب و تحمیل آن به حزب است. نمیتوان در اجلاس رسمی با پرچم دفاع از سیاستهای حزب رای اعتماد مردم را گرفت و با نشستن بر کرسی رهبری علیه تعهد خود و علیه همان سیاستها پرچمی دیگر رو به جامعه اعلام کرد. این جرم است، این تقلب به نام اینکه "رهبرم" به کت کسی نمیروند.

رفقای منتقد، رفقای که اعلام مخالفت خود را با انتشار پلاتفرم مورد اشاره به جامعه اعلام کردند، پیام خود را نیز هم از ما و هم از جامعه گرفتند. نیت این رفقا هر چه باشد، امروز در بیرون جمع آنها، امروز در بیرون قلعه، صفی از مخالفان و حتی دشمنان ما کف میزنند و هر کدام به زبانی اعلام میکنند که عده ای در این حزب منتقد خط و سیاست این حزبند. عده ای میخوانند قلعه را تسلیم کنند و تعدادی مانع اند و همه صف مخالفین

امروز و چرا درست در دل این انشقاق و چشم طمع به خط کاربست که در مقابل رفقا است، و حزب سازی و حزب داری کاری بیشتر از اعلام مخالفت است. باید دید آینده کجا قرار میگیرند. هنوز تغییر ریل رفقا تنها اعلام مخالفت با تاریخ ۸ ساله مشترک ما است. در این صف انواع جریانات مختلف صف بسته اند، در این صف به کدامین جریانات نزدیک میشوند، امروز معلوم نیست. جهت و پراتیک تا کنونی و پرچم آنها فعلا اعلام دوری و خارج شدن و وداع با سیاستهای مورد دفاع مشترک ما و با گذشته قابل افتخار خود این رفقا است، و متأسفانه این فاصله گرفتن ظاهراً به سرعت در جریان است.

## تیز "انقلاب" و "تجلیل" رفقای خط بازنگری

تیز دیگر پلاتفرم رفقا، این است که تحولات مهمی در ایران در جریان است و باید مهر خود را به آن کوبید. فاکتورهای اصلی این تحولات مهم نیز از نظر رفقا بحران جهانی سرمایه، تحولات خاورمیانه و معضلات اقتصادی و سیاسی بورژوازی ایران و هیئت حاکمه جمهوری اسلامی است. و حزب باید در دل این تحولات پرچم انقلاب کارگری و سرنگونی فوری جمهوری اسلامی و بنیاد گذاشتن جمهوری سوسیالیستی به جای آن را برافرازد. در این راستا حزب باید شعار جمهوری سوسیالیستی را به عنوان حکومتی که باید جانشین جمهوری اسلامی شود، توده گیر کند.

هیئت دائم، مژده انقلابی قریب الوقوع در ایران را میدهد که رفقا فاکتورهای آنر برشمرده اند. و قرار است حزب با "تغییر ریل به مباحثات حزب و قدرت

سیاسی منصور حکمت" و بقیه اقداماتی که در دستور گذاشته اند آماده مهر زدن بر آن و جایگزینی جمهوری اسلامی با جمهوری سوسیالیستی شوند. این تیز رفقا هیچ مبنای واقعی ندارد، بر هیچ استدلال پایه ای استوار نیست و آرزوهای شیرینی است که متأسفانه در بهترین حالت خیالپردازی است. جالب اینکه انقلاب سوسیالیستی مورد نظر رفقا از دل بحران اقتصادی و تحولات خاورمیانه و معضلات سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی بیرون می آید. با این سه فاکتور مژده انقلاب داده میشود و ظاهراً هیئت دائم کفش و کلاه کرده است تا خود را به این "انقلاب" برساند. معلوم است تیز پاسیفیسم نامیدن خط تاکتونی بدلیل، برسمیت نشناختن اینگونه انقلابات از جانب ما است که دیگران چندین سال است نوید داده و امروز دنیا به ریش مبارکشان میخندند. برای من جای تأسف است که جمعی از رفقای با تجربه ما، رفقای که انقلاب ۵۷ را دیده اند، تحولات سه دهه گذشته دنیا و انواع انقلابات مختلف را از اروپای شرقی تا افریقا و خاورمیانه را مشاهده کرده اند و با این سه فاکتور به عنوان کمونیست مژده انقلاب کارگری میدهند. اگر قرار باشد با بحران سرمایه و معضلات اقتصادی و تحولات جمهوری اسلامی و تحولات در مصر و تونس در ایران انقلاب شود، اکنون می بایست در دنیا کشوری سرمایه داری پابرجا نبود. جای تأسف است که در کل این داستان یک کلمه از نیروی متحقق کننده این انقلاب و موقعیت آن حتی به عنوان یک فاکتور در کنار بقیه، که برای هر کمونیستی طبقه کارگر است، در این استدلالات خیری نیست. کلاً طبقه کارگر از فاکتور انقلاب



## اختلافات در حزب....

و تحولات مد نظر رفقا غایب است. خوب با این وصف و با احترام به همه اعضا هیئت دائم، فرق این انقلاب با انقلاب دیگران در دوره سبز چیست؟ اینکه این را جمعی کمونیست میگویند و آن یکی را جمعی چپ غیرکارگری خودبخود دلیلی بر تفاوت شما نیست. اگر قرار باشد چنین تحولی با این فوریت که ترسیم کرده اند در جریان باشد، قاعدتا توازن قوای میان کارگر و بورژوازی باید تغییرات جدی به نفع این طبقه کرده باشد. قاعدتا میزان آماجگی ذهنی طبقه کارگر، میزان اتحاد این طبقه، میزان تحزب کمونیستی این طبقه باید خیلی تغییرات جدی کرده باشد. قاعدتا برای کمونیستها قیل از هر بحران و اختلاف در جمهوری اسلامی، موقعیت این طبقه به عنوان مبنای واقعی هر تحول انقلابی باید مورد اشاره باشد و این تعیین کننده ترین فاکتور در هر تحول انقلابی است. قاعدتا از دل بررسی وضع این طبقه و میزان آماجگی آن از هر نظر، تازه میتوان فهمید که در انقلاب فرضی رفقا طبقه کارگر چقدر شانس دارد. و اگر دارد به چه دلایلی و چه باید کرد تا این تحول متحقق شود. اگر بحث شرایط عینی انقلاب کارگری و تحولات انقلابی باشد، چندین دهه است که نه تنها در ایران بلکه در کل دنیای امروز این شرایط مهیا است. اما مشکل شرایط ذهنی چنین انقلابی است، مشکل درجه آماجگی طبقه انقلابی است که چنین انقلابی را باید شروع کند و به سرانجام برساند. وارد مشکلات چنین انقلابی شدن در جواب رفقای هیئت دائم، غیر لازم است، زیرا اینها اصلا مورد سؤال این رفقا نیست. بحران جهانی هست، جمهوری اسلامی معضلات اقتصادی و سیاسی

دارد و تحولات خاورمیانه هم که در جریان است، پس تحولات سرنوشت سازی در ایران در جریان است و باید چنین و چنان کرد. این کل داستان است و حقیقتا جای تاسف است که این تحلیل و تبیین از تحلیلهای ژورنالیستی رایج هم عقبتر است. میزان آماجگی طبقه کارگر و موانعی که بر سر عروج این طبقه هست، حتی در صورت مسئله انقلاب آنها وجود ندارد. اصلا مورد پرسش نیست، وجود ندارد و لابد احتیاجی ندارند. لذا و متأسفانه این انقلاب و این تحول که رفقا ترسیم میکنند، به فرض درستی فاکتورهائی که گفته اند، و به فرض واقعی بودن آرزوی آنها، هر چه باشد تحول انقلابی نیست و در بهترین حالت خوشخیالی است که بخش زیادی از چپ حاشیه ای چند سال است روزانه نویدش را میدهند. چنین انقلاب و تحولی میتواند انقلاب سبز، نارنجی و مخملی و... باشد، تازه با فرض درستی مؤلفه های مورد اشاره و مژده انقلاب آنها، کارگر در این گونه انقلابات تنها و تنها سرباز سایر جنبشها است. دیدگاه رفقا در این سند، نه تنها مارکسیستی نیست بلکه در تاریخ این حزب، در تاریخ کمونیسم ما مطلقا و مطلقا به جهت و سیاست ما و به درک ما از تحول انقلابی و انقلاب کارگری نزدیکی صوری هم ندارد. تهییج رفقا در مورد این تحول و این انقلاب سطحی، پوچ و بی پایه است.

قبلا اشاره کردم که اختلافات از پلنوم ۱۵ کمیته مرکزی شروع شد. زمانی که تاکیدی جدی بر ساختن حزب در ایران و کار در میان پروتاریای صنعتی شد. برای ما به عنوان کمونیست های انقلابی و بر اساس همه مباحثات مارکسیستی این حزب و از جمله بحث حزب

در ادامه در یکی از بند وظایف که از متن پلاتفرم آورده ام، اشاره به لزوم مقابله با دخالت نظامی آمریکا و خطر سناریوی سیاه دارد. معلوم نیست این چه انقلابی است که در شرایط کنونی و با خطر حمله نظامی و سناریوی سیاه، با فضای جنگی و تحریم اقتصادی که در پلاتفرم آمده است، هنوز یک احتمال قوی است. که قرار است حزب با تغییر ریل و گذار از حزب حکمتیست و زیر پرچم "دفاع" از بحثهای منصور حکمت، مهرش را به این تحولات مهم بکوبد و پرچم انقلاب کارگری و جمهوری سوسیالیستی را در دل آن به اهتزاز درآورد!!! از همین نظر باید به نقد کل پروسه برخورد ما به سناریوی سیاه در عراق و خطر حمله در دوره جنگ خلیج پرداخت. رفقا فراموش کرده اند که شلیک یک گلوله به ایران نه تنها امکان تحول انقلابی بله امکان زندگی جهانی کنونی را نیز از مردم میگیرد. نه تنها این بلکه مدنیت در ایران را از بین میبرد، که استیصال و ناامیدی را دامن میزند. همچنانکه گفتم این به هر تحولی میتواند نزدیک باشد اما این تحول نه با انقلاب بلکه به هیچ تحول انقلابی که کارگر بهبودی در زندگی خود هم پیدا کند، قرابتی ندارد. این دیگر بر عهده خود رفقا است که بحث کامل خود را در این زمینه بکنند تا بدانیم انقلاب مورد اشاره آنها در انواع انقلابات موسوم و رایج بورژوائی به کدام نزدیک است.

### کمیته های کمونیستی و توازن قوا

پلاتفرم هیئت دائم به جای بحث شفاف و مخالفان سرراست با کمیته های کمونیستی که از جمله مصوب کنگره دوم حزب حکمتیست است، با توجیه

توازن قوا به میدان آمده است. در پلاتفرم نوشته اند که: "با در نظر گرفتن شرایط امنیتی اعضای حزب را در حوزه های حزبی متشکل میکنیم." و در ادامه در بندی دیگر در مورد کمیته های کمونیستی نوشته اند که: "با گسترش نفوذ ما و به ویژه با در نظر گرفتن تناسب قوا و بهبود اوضاع امنیتی، با اتکا به رهبران کارگری، آژیتاتورها و فعالین کمونیست درون طبقه کارگر، کمیته های کمونیستی و حزبی را ایجاد میکنیم. (تاکیدات از من است)

سند کمیته های کمونیستی همچنانکه گفتم از جمله مصوبه کنگره دوم حزب است. در مورد آن سمینارها و بحثهای زیادی شده است، کلی بحث از جانب کورش مدرسی به عنوان صاحب این مبحث در اجلاس رسمی ما شده است و مقدار زیادی نوشته در این زمینه داریم که سرانجام سند کمیته های کمونیستی به عنوان سیاست ما به تصویب عالیترین ارگان حزبی که کنگره باشد رسیده است. اینجا فعلا از کار خلاف رفقا در زیر پا گذاشتن تصمیم بالاترین مرجع حزبی و کنار گذاشتن سیاست مصوب کنگره آنهم به نام رهبری حزب و عدم احتیاج هیئت دائم در مراجعه به موازین حزبی میگذرم. ظاهرا موازین حزبی شامل این رفقا نیست و برای آنها نوشته نشده است. اما سوال این است که کجای سند کمیته کمونیستی به عنوان سیاست رسمی که خود شما به آن رای دادید، بحثی از توازن قوا هست. کجا ما تشکیل کمیته کمونیستی به عنوان طرف تحزب فعالین کمونیست و رهبران و آژیتاتورهای کمونیست را به توازن قوا موکول کرده ایم؟ در ثانی اگر این همه تحولات مهم در ایران در جریان است، اگر انقلابی در جریان

## اختلافات در حزب....

است و باید فوری شعار جمهوری سوسیالیستی را توده ای کرد و حزب باید مهر خود را به آن بزند و پرچم انقلاب کارگری را به اهتزاز در آورد!!!، چگونه توازن قوا برای کمیته های کمونیستی مهیا نیست!!!؟؟؟ بالاخره خواننده پلاتفرم شما، اعضا و کادرهای این حزب به انقلاب باور کنند یا به عدم آمادگی توازن قوا در ساختن کمیته کمونیستی؟؟ اگر شرایط برای کمیته کمونیستی که پایه و اساس تحزب کمونیستی ما و پایه سازمان حزبی ما است آماده نیست، آنوقت چگونه انقلاب کارگری فوری هیئت دائم سازمان می یابد و پرچم کمونیسم و حکومت کارگری را به اهتزاز در می آوریم؟ بر دوش کدام نیرو؟ با اتکا به کدام سازمان و حزب و کمونیست متشکل؟؟

در ثانی رفقا در سندتان چهار سطر پائین تر نوشته اند مبنی بر اینکه: "گارد آزادی اهرم قدرتمند دفاع از خود مردم و ابزار موثر دخالت در اوضاع سیاسی به نفع جبهه کارگر و کمونیسم و آزادیخواهی است. سازماندهی و فعالیت هدفمند گارد آزادی باید گسترش یابد. فرماندهی گارد آزادی در سطح سراسری و در کردستان طبق نقشه روشن پیشروی این عرصه مهم را باید تضمین کنند". (تاکیدات از من است)

اگر شرایط برای سازماندهی واحدهای گارد آزادی نه تنها در کردستان بلکه در کل ایران آماده است و باید گسترش یابد و فرماندهی گارد باید طبق نقشه، پیشروی این عرصه را تضمین کند، پس چرا کمیته کمونیستی که تازه گارد آزادی هم نیست، بدلیل امنیتی و توازن قوا!!! امکان سازماندانش نیست؟

این یک بام و دو هوایی در توازن قوا از کجا ناشی میشود؟ آیا به این خاطر نیست که ساختن کمیته های کمونیستی در پلاتفرم تان مشروط به توازن قوا، و گسترش گارد آزادی بدون قید و شرط، ناشی از تمایل و سیاست تان است تا شرایط دنیای واقعی؟

رفقای عزیز به جای این همه عدم صراحت و مخالفت غیر صریح و غیر روشن، راحت بحثتان را میکردید. باور کنید اینگونه استدلالات، ابتدائی تر از آن است که بتوانید مدافعین پلاتفرم را هم قانع کنید. سطح شعور مردم را دست کم نگیرید و به خودتان هم احترام بگذارید. اگر کمیته کمونیستی را قبول ندارید مستدل همین را بگویند، باور کنید احترامان بیشتر میشود. با این همه عدم صراحت نمی توان چشم کسی را از دیدن واقعیات کور کرد. این سیاست گذاری جدید به شیوه "زیرکانه"، فقط به اعتبار شما لطمه زده است. به جای اعلام این سند که مغایر همه مصوبات ما است، به جای اعلام آن بر مسند هیئت دائم، و بنام همه حزب، به اسم خودتان حرف بزنید. آخر این چه سیاستی است که باید شبانه و دور از چشم این حزب و منتخبین شما به آنها تحمیل کنید؟

جمع هیئت دائم در سند خود و در کل این دوره و خصوصاً بعد از اعلام پلاتفرم و انشقاقی که متعاقباً به حزب تحمیل کردند، مرتب به منصور حکمت قسم میخورند و اعلام وفاداری میکنند. در پلاتفرم و با اقداماتی که در دستور گذاشته اند و مواردی را من اشاره کردم، قول "عروج دوباره" کمونیسم حکمت را داده اند. اینجا به خاصیت بحث

قسم خوردن به "حزب و قدرت سیاسی" توجیه زندگی در حاشیه

جمع هیئت دائم در سند خود و در کل این دوره و خصوصاً بعد از اعلام پلاتفرم و انشقاقی که متعاقباً به حزب تحمیل کردند، مرتب به منصور حکمت قسم میخورند و اعلام وفاداری میکنند. در پلاتفرم و با اقداماتی که در دستور گذاشته اند و مواردی را من اشاره کردم، قول "عروج دوباره" کمونیسم حکمت را داده اند. اینجا به خاصیت بحث

"حزب و قدرت سیاسی" این رفقا اشاره ای کوتاه میکنم.

منصور حکمت مهمترین رهبر و شخصیت کمونیست معاصر ایران بوده است. بدون تردید همه جنبشهای سیاسی رهبران خود را ارج میگذارند و به دستاوردهای سیاسی و تئوریک و... آنها رجوع میکنند. بورژوا یا کارگر و کمونیست همه به تجارب و تاریخ خود از زاویه بهترین رهبران خود مراجعه و از دستاوردهای آنها استفاده میکنند. متأسفانه نه منصور حکمت زنده است که جواب انواع برداشتها و تئوریهائی را بدهد که به اسم او، جریانات و گروههای دیگر بیان میکنند و نه در دنیای واقعی قسم خوردن به منصور حکمت، دلیلی بر اتکای کسی به مباحث او است. امروز و در جامعه ایران و عراق، احزاب و جریاناتی که منصور حکمت را رهبر برجسته کمونیستی میدانند و خود را طرفدار او می نامند کم نیستند. صفی از جریانات و محافل مختلف به نام مدافع خط او وجود دارند. همچنانکه طرفداران مارکس و لنین در ابعاد جهانی از راست ترین جریانات، بی ربط ترین و حاشیه ای ترین جریانات، تا کمونیست ترین احزاب و محافل و آدمها را در بر میگیرد. لذا قسم خوردن رفقای ما و مرتب اشاره به منصور حکمت، همچنانکه قسم خوردن به مارکس و لنین، دال نه بر زیاد حکمتیست بودن این رفقا و نه مارکسیست بودن بقیه است. این طرز تفکر به غایت فرقه ای، حاشیه ای و مذهبی است. آدمها در دنیای واقعی حرف خود را میزنند و رفقای ما هم به همین صورت. خاصیت این سوگند خوردنها، مستقل از موقعیت عزیز و گرامی منصور حکمت در میان صفوف ما، سرمایه گذاری رفقا بر اعتبار منصور حکمت برای پیشبرد حیاتی است، اما مهمتر از هر

چیز این حزب باید پایه های خود را در داخل ایران و در میان طبقه کارگر بسازد. کل مباحث منصور حکمت و کل مباحث حزب و جامعه و حزب و قدرت سیاسی بدو بر این پایه استوار است که این حزب در میان طبقه کارگر اقلیتی از پیشروترین آنها، از با نفوذترین آنها را باید با خود داشته باشد. حزب و قدرت سیاسی منصور حکمت امتداد دنیائی بحث مارکسیستی او و از جمله مباحثات کمونیسم کارگری است. رفتن به این سنگر و قایم شدن در پشت منصور حکمت، و با این سطحی نگری که متأسفانه رفقای هیئت دائم هم دچارش شده اند، هر چیز میتواند از آن در بیاید اما حزب و قدرت سیاسی تنها یک بهانه است و انصافاً منصور حکمت کاملاً بی گناه است.

هیئت دائم و جایگاه موازین حزبی!

رهبری در هر حزب امروزی چه کمونیستی و چه بورژوائی، یک رهبری سیاسی است. این موضوع جزو بدیهیات تاریخ ما است. ما در این حزب بر اساس سیاست و توافق بر سیاستهای معینی که امروز در جامعه ایران حزب و جریان ما را با آن میشناسند، جمع شده ایم. این سیاستها است که ما را از دیگران تمیز میدارد، بر مبنای همین سیاستها و پراتیک منتج از آنها جایگاه واقعی ما در جامعه معلوم میشود، تعدادی دوست و تعدادی به دشمن ما تبدیل شده اند. چسب درونی این حزب سیاست است. سیاست هم در شکل مصوبه در ارگانهای حزبی به تصویب میرسد. ما نه جمع نزدیکان و دوستان شخصی هستیم، نه جمع آدمهائی که دور مرید و مرشدی جمع شده باشیم، نه عاشق اخلاق و رفتار همدیگریم که اسم جمعیان را

## اختلافات در حزب....

گذاشته ایم حزب حکمتیست. مبنای نزدیکی جمع ما، سیاست است، چهارچوب هائی داریم و در این چهارچوب توافق کرده و حول سیاستهای مدونی با هم متحد شده ایم. لذا رهبری در میان ما چون هر حزب سیاسی بر مبنای توافق با سیاستهای است که این رهبری نمایندگی میکند. رهبری حزب قائد نیست، رهبر فرقه و دیگران مرید او نیستند. رهبری کسی یا جمعی است که این سیاتها را بدو قبول دارد و متعهد به پایده کردن و پراتیک آنها است. لذا قرار گرفتن در رهبری حزب ضمن امکاناتی که میدهد، محدودیتهای جدی نیز تحمیل میکند. خط قرمزهایی را دارد که اگر عضو حزب از آن عبور کند کسی انتقادی نمیکند و اگر رهبری حزب این کار را بکند، ممکن است از صلاحیت رهبری حزب بيفتد. لذا رابطه بر عکس نیست، اینجور نیست که هرچه رهبری حزب گفت حرف حزب است و بقیه ملزم به اجرای آن. این قانون تا زمانی درست است که بدو رهبری حزب مدافع سیاتهای مشترک باشد که دورش جمع شده ایم و هویت مشترک ما را نشان میدهد. و رهبری را بر مبنای آنها و برای نمایندگی کردن آنها انتخاب کرده ایم. اما هیئت دائم ما فکر میکند چون در دفتر سیاسی اکثریت است، با اینکه بخش اعظم حزب، اکثریت اعضا کمیته مرکزی، کل کمیته های سازمانده و تبلیغات و آموزش، دبیرخانه و خزانه داری و بیش از نصف تشکیلات خارج و اقلیتی از کمیته کردستان با آن مخالفند، با اینکه دبیر کمیته مرکزی با آن مخالف است و با اینکه این اقدام بر مبنای موازین حزبی ما

تخلف بزرگ است و از این جمع سلب صلاحیت میکند، هنوز میگوید، من "اکثریت" حق دارم. چرا؟ چون در دفتر سیاسی اکثریت هستم. هیئت دائم با اعلام پلاتفرم خود که در حقیقت پرچم فاصله گرفتن و مخالفت با سیاستهای مورد توافق است، عملا توافق خود را لغو و باطل کرده است. این رفقا در همه اجلاس حزبی و از جمله کنگره ها و پلنومهای کمیته مرکزی متعهد شده اند که مدافع خط این حزب و سیاستهای آن هستند. بر این اساس رای اعتماد از نمایندگان کنگره و سرانجام کمیته مرکزی برای عضویت در ارگانهای کمیته مرکزی و دفتر سیاسی گرفته اند. هیئت دائم تنها بعد از چند هفته در رهبری حزب عملا خلاف توافقات و تعهد خود، خطی دیگر را به نام این حزب اعلام کرده است. پرچم سفید در مقابل مخالفان خط سیاسی تاکنونی بلند کرد و با این کار و با عدم پایبندی به توافقات در بالاترین مرجع حزبی و با سواستفاده از موقعیت تشکیلاتی، عملا خود را از صلاحیت انداخت. این رهبری دیگر رهبر سیاسی حزب حکمتیستی که توافقات سیاسی و مصوبات سیاسی داشت و هویت مشترک ما را تشکیل میداد نیست. کسی قرار داد و سیاست مشترک را که دور آن جمع شده بودیم، بدون توافق مدافعان آن به شیوه محفلی، پنهانی و اپورتونیستی، لغو کرده است. معلوم است با این عمل نامشروع، فرصت طلبانه و غیر اخلاقی، اولین اتفاقی که می افتد این است که مدافعان آن قرار داد و سیاستها، دیگر تحت رهبری حزب جدید شما نخواهند آمد. جمعی که در موقع انتخابات ارگانهای رهبری، سوگند یاد میکنند که مدافع خط حزب حکمتیست هستند، و زمانی

که اعتماد و رای مدافعان آن سیاست و خط را گرفته است، فوری علیه همان توافقات، همان خط و سیاست اعلام جنگ میکند و کل مخالفین سیاسی ما را در این کارزار، درکنار خود به تحریک درمیآورند، دیگر بحث از موازین پوچ و تنها ابزار به تمکین کشاندن مدافعان حزب حکمتیست به هیئت دائم و حزب جدید این جمع است. امروز موازین برای این رفقا تنها و تنها کسب مشروعیت و فراخوان غیر مشروع با استفاده از موازین حزب حکمتیست از رهبری هیئت دائم است که در دنیای واقعی در راس حزبی دیگر قرار گرفته است. ما را فراخوان میدهند که از حزب جدید آنها و سیاستهای جدید و رهبری آن حزب که هیئت دائم باشد دفاع کنیم. همچنانکه گفتیم، نگهبان قلعه به بیرون خود علامت داده است که در تاریکی قلعه را تحویل میدهد. مشروعترین کار از جانب اعضا قلعه کنار گذاشتن چنین نگهبانانی و جمع کردن اعضا قلعه جهت تصمیم در مورد آنها است. دیگر بحث موازین از جانب جمعی که خود سمبل زیر پا گذاشتن موازین حزبی اند پوچ است. هیئت دائم ما نه تنها موازین و قواعد بازی، که سیاستهایی که دورش جمع شدیم و برای کار مشترک و پیشبرد آن موازین تعریف کردیم، را زیر پا گذاشت. رهبری در یک حزب سیاسی بر اساس سیاست است، مردم به سیاست رای داده اند، به من و شما برای اجرای این سیاستها رای داده اند. و زمانی که شما اساس سیاست را عوض میکنید، از گذشته پیشیمان میشوید، بدو باید سیاست جدید را اعلام کنید و بار دیگر برایش رای بگیرید. این ابتدائی ترین تفاوت میان نمایندگی در این دوره با دوران ماقبل سرمایه داری

است. یک حزب سیاسی بر پلاتفرمش جمع شوند و منتظر بمانند. این کاریکاتور کردن موازین است، این دیگر حزبی دیگر است که با ریابکاری به نام موازین حزبی میخواید به مردم تحمیل کند. این حزب حکمتیست نیست و همان حزبی است که هیئت دائم با کنار گذاشتن همه طرفداران حزب، همه را به تبعیت از حزبش دعوت میکند. و اخطار میدهد و اعلام میکند تعدادی خلافکار پیدا شده اند که موازین رسمی را برسمیت نمیشناسند. پرچم موازین برای این رفقا عمیقا ریابکاری است.

هیئت دائم ما از حزب حکمتیست و سیاستهایش فاصله گرفته است و این فاصله و تغییر خط را به جامعه اعلام کرده است. بخش مهمی از حزب از دبیر کمیته مرکزی، بخشی از اعضا دفتر سیاسی، کمیته تبلیغات و آموزش، کمیته سازمانده، دبیرخانه، خزانه داری و دبیر تشکیلات خارج اعلام کرده اند که حاضر به پذیرش و پراتیک پلاتفرم این جمع نیستند، سیاست جدیدی که در هیچ مرجعی تصویب نشده است، به آن رای نداده اند، به رای گذاشته نشده است و خلاف همه موازین ما است. هیئت دائم همه اینها را دور زده است، ارگانهای دیگری را به جای آنها گذاشته است، بر خلاف همه موازین، کل این ارگانها را منهای کمیته کردستان که اکثریتش با هیئت دائم است، بقیه را به دلیل مخالفت سیاسی عوض کرده و عملا از کار برکنار کرده است. در تمام این اعمال خود، نه احتیاجی به موازین دیده و نه به آنها رجوع میکند. دلش این است که رهبری هیئت دائم تا وقتی که نیاز دارد، خود را بالاتر از سیاست مورد توافق و موازین میداند. حال و بعد از این اقدامات خلاف موازین، به همه اعلام میکند کمیته های کاغذی شان ارگانهای حزبی هستند، رهبری آنها و دستورات آنها را باید برسمیت شناخت. امروز و بعد از این "قیچی کردن ها" و "تصفیه ها"، از همه میخواید حول رهبری هیئت دائم با پرچم سفید

به عنوان خاتمه همچنانکه اشاره کردم اختلافات رفقای منتقد خط تا کنونی ما، از پلنوم ۱۵ کمیته مرکزی و در تقابل با ساختن حزب در ایران و تمرکز کار در میان پرولتاریای صنعتی شروع شد. رفقا در کل این دوران بحثی روشن طرح نکردند، به جای مبارزه سالم و سیاسی و شفاف، با پرتاب "خجولانه" کلمات راست و پاسیو... و بحث در محافل و دالانهای حزبی، فضای بی اعتمادی را دامن زدند. در کل این دوران هیچوقت در اجلاس رسمی با سیاستهای حزب مقابله نکردند، به این سیاستها رای دادند، در تمام انتخاباتها به شخص کورش مدرسی رای اعتماد دادند، هیچوقت در مقابلش کانديد پستی نشدند. تلاش کردند با پرچم دفاع از سیاستهای رسمی حزب، رای اعتماد بگیرند، فرصت طلبانه و در کمال بی پرسنسیب کرسی های تشکیلاتی را اشغال کنند. و زمانی که در دفتر سیاسی حزب اکثریت شدند، زمانی که جمع هیئت دائم به هر دلیل در دوره اخیر در دست این جمع بود، سیاستهای نگفته و به رای نگذاشته خود را در تقابل با خط رسمی حزب به نام

اختلافات در حزب....

حزب اعلام کردند. پلاتفرم هیئت دائم در حقیقت پرچمی رو به جامعه علیه تاریخ ۸ ساله حزب ما است. بیان این مخالفت به نام "بازگشت به منصور حکمت" نه تنها مذهبی و عمیقاً فرقه ای است، در عین حال پوچ است. توضیحات و توجیحات هیئت دائم در روشن کردن منظورشان از تغییر ریل در محافل، پوچ است. در بیرون حزب پلاتفرم و خط جدید همت دائم امیدهای در میان مخالفین همیشگی ما ایجاد کرده است. تلاش هیئت دائم و اعضا این جمع در ترور شخصی کورش مدرسی در حقیقت پیام این جمع و اعلام فاصله گرفتن از خطی است که در جامعه به نام حکمتیست شناخته میشود. فرهنگ و سنتی که متأسفانه در مباحثات این دوره اعضا هیئت دائم، امروز دیگر علنی بیان میشود. علاوه بر اینکه عمیقاً غیر سیاسی و عقب مانده است، در عین حال تلاشی برای ساختن حزب نفرت علیه ما و تاریخ گذشته خود است. تحریک تعصبات کور و تحریک احساسات که قبلاً از کانال محافل و در آشپزخانه مردم از جانب این سنت به جای بحث سیاسی بیان میشد، امروز به قلم اعضا هیئت دائم روزانه پخش میشود و پرده از توجیحات و قسم خوردنهای علنی و پچ پچ کردن در محافل برداشته است. این اتفاق جای تأسف است و مسئولیتش با این جمع و صاحبان این سنت است.

این اتفاق میتوانست در این حزب نیفتد، این انشقاق میتوانست به این زودیها و به این صورت پیش نیاید. لازم نبود، هنوز کسی و حتی اعضا هیئت دائم نیز

چهارچوب مباحثات خود را نمیدانند و فردا با کلی مشکلات دست به گریبان خواهند بود. با کینه از ما و کورش مدرسی و زنده کردن تعصبات کور نمیتوان سیاست کرد. این چسب پیوستگی چهار روز دوام نمی آورد. راهی که انتخاب کردند تحمیل یک انشقاق زودرس با محاسبات غلط و با این فرض بسیار ساده که رهبری را در دست میگیرند و خط نگفته خود را اعلام میکنند، به حزب بود. رفقای هیئت دائم در دنیای واقعی هزاران سوال را در مقابل خود دارند که حتی برای یکی از آنها جواب ندارند. تحمیل تقابلی زودرس به ما و به حزب حکمتست عمیقاً فرقه ای و عقب مانده بود. میتوانستند تمدن و سیاسی با طرح مباحثات خود، اجازه بدهند این پروسه سیاسی و سالم پیش برود. اجازه میدادند جامعه و همه کمونیستها و اعضا حزب در مورد سیاستهای آنها که هنوز برای خودشان هم معلوم نیست چیست، قضاوت کنند. این راه سیاسی و متمنانه بود که رفقا انتخاب نکردند. حساب نکرده بودند که نمیتوان در یک حزب کمونیستی شب هنگام پرچمش را پائین کشید و پرچمی دیگر آویزان کرد.

در مورد آینده این جمع و این جریان باید دید کجا خواهند ایستاد. راه بازگشت به حزب بر روی همه این رفقا باز است، که ظاهراً تمایلی به چنین انتخابی ندارند. قدرت جنبشهای دیگر و فشار آنها، فشار سنتهای سیاسی دیگر، متأسفانه امروز بر روی آنها بیش از قدرت حزب و جریان ما، کار میکند. ظاهراً استقبال دشمنان و مخالفین سنتی حزب حکمتیست از هیئت دائم، از جانب هیئت دائم هم به عنوان فرجه ای برای فشار برای شکاندن خط حزب حکمتیست و تحویل

این تازه آغاز کار ...

کنگره، مهم نیست چه کنگره ای، را بالا برد، بلکه بیشتر و مهمتر از "پیش گویی" و داد، کار بسیار سختی است. "روانکاوی" دیروز من، با این وجود، برای حداقل "واکسینه کردن" خود و دیگران، لازم است که حقایق مهمی که به سادگی توسط جمع هیئت دائم، جعل میشود، را بازگو کرد. تصور میگردیم که رو به شرکت ۲۰- ۱۹ نفره از بیرون کمی "سنجیده تر"، اعضا کمیته مرکزی ۴۲ "مستولانه تر"، و "صادقانه تر" کار خواهند کرد!

هنگامی که من در تاریخ دوم ژانویه سال جاری در نامه، " کدام معجزه از کدام ناجی! " نوشتم که جمع هیئت دائم، همچنان که سنت شناخته شده اش است، پشت درخواست و پافشاری برای برگزاری پلنوم، باز هم "دستور کار پنهانی" ( هر وسیله ای، از جمله hidden agenda) دارد. و آن عبارت است از بالا بردن وزن محفل خود در انتخابات کنگره، تا به این ترتیب با تسخیر تشکیلاتی مقدم بر تسخیر سیاسی، بطور ناسالم و غیرقانونی امر خود را پیش ببرد، تعدادی من را متهم به روانکاوی کردند. امروز نه تنها "روانکاوی" دیروز من حقیقت و صحت خود را اثبات کرد، و هیئت دائم به هر طریق و با هر وسیله ای که شده است، وزن محفل خود در انتخابات



<p style="text-align: center;"><b>فرم ب</b></p> <p style="text-align: center;"><b>ویژه ثبت نام میهمانان کنگره چهارم حزب حکمتیست</b></p> <p>نام: نام خانوادگی: کشوری که از آنجا عازم کنگره هستید: تلفن: ای میل: ورودی چه شب هائی خوابگاه میخواهید؟ جمعه شب: شنبه شب: جمع هزینه (به یورو) هزینه را چه وقت و از چه طریق پرداخت میکنید مبلغ کسری پرداخت هزینه کنگره در محل پرداخت میکنید؟ آیا کودک همراه دارید؟ چند کودک: <u>لطفا برای هر کودک فرم ثبت نام کودکان (فرم ج) را پر کنید و همراه این فرم بفرستید</u></p> <p>روز ورود: ساعت ورود: محل ورود: وسیله ورود:</p>	<p style="text-align: center;"><b>فرم الف</b></p> <p style="text-align: center;"><b>ویژه ثبت نام نمایندگان کنگره پنجم حزب حکمتیست</b></p> <p>نام نام خانوادگی حوزه انتخاباتی کشوری که از آنجا عازم کنگره هستید تلفن ای میل چه شب هائی خوابگاه میخواهید؟ جمعه شب شنبه شب هزینه را چه وقت و از چه طریق پرداخت میکنید؟ آیا برگ تسویه حساب حق عضویت را دریافت کرده اید؟ آیا این برگه را بدست ما رسانده اید؟ (بدون این برگه در کنگره حق رای نخواهید داشت) آیا کودک همراه دارید؟ چند کودک <u>لطفا برای هر کودک فرم ثبت نام کودکان (فرم ج) را پر کنید و همراه این فرم بفرستید</u></p> <p>روز ورود ساعت ورود محل ورود وسیله ورود</p>
<p>در محل پرداخت میکنید؟ روز ورود ساعت ورود محل ورود وسیله ورود آیا داوطلب کمک به نگهداری از کودکان هستید؟</p>	<p style="text-align: center;"><b>فرم ج</b></p> <p style="text-align: center;"><b>ویژه ثبت نام کودکان همراه نمایندگان یا میهمانان کنگره چهارم حزب حکمتیست</b></p> <p style="text-align: center;"><b><u>باید توسط سرپرست تکمیل شود</u></b></p> <p>نام نام خانوادگی جنس سن نام سرپرست تلفن ای میل چه شب هائی خوابگاه میخواهد؟ (هر شب با سه وعده غذا ۲۰ یورو) جمعه شب شنبه شب جمع هزینه (به یورو) هزینه را چه وقت و از چه طریق پرداخت میکنید مبلغ کسری پرداخت هزینه کنگره</p>

## دو قرار پیشنهادی دفتر سیاسی:

### قرار در تائید سیاستهای تا کنونی حزب

کنگره پنج حزب حکمتیست یکبار دیگر بر سیاستها، مصوبات و جهتگیریهای تا کنونی حزب بعنوان سیاستهای کمونیستی تاکید می گذارد و بر آن پافشاری میکند.

### قرار در دفاع از حزب حکمتیست

کنگره پنج حزب حکمتیست تلاش هیئت دائم برای تغییر استراتژی حزب از طریق تصویب غیر قانونی، پلانفرم سیاسی عملی هیئت دائم، را تعرضی آشکار به سیاستها و مصوبات و هویت متمایز حزب، دور زدن کنگره حزب بعنوان عالیترین مرجع تصمیم گیری در حزب و اعلام رسمی خروج این جمع از حزب میداند. کنگره پلنوم غیر قانونی این جمع را اعلام رسمی حزب دیگری میداند.

کنگره همچنین تعرض این جمع به حزب و مصوبات آن تحت پوشش حمله به کورس مدرسی و تقابل ساختگی "خط کورس مدرسی" و "خط منصور حکمت" را بخشی از کمپین ضد حزبی خارج از حزب میداند که از سال ۲۰۰۴ در جریان است.

کنگره پنج حزب حکمتیست همه اعضا و کادرهای حزب را به دفاع از حزب در مقابل این تعرض فرا میخواند.

### قابل توجه نمایندگان کنگره، اعضا و کادرهای حزب حکمتیست

رفقای عزیز! لطفا به نکات زیر توجه کنید!

۱- رفقای که به هر دلیل نمیتوانند در کنگره ۵ حزب شرکت کنند و کاندید عضویت در کمیته مرکزی حزب هستند، باید تا تاریخ ۱۰ فوریه ۲۰۱۲ کاندیداتوری خود را کتبا از طریق آدرس مایل کنگره ۵ به اطلاع ما برسانند.

۲- رفقای که کاندید عضویت در کمیته مرکزی هستند، باید دقت کنند که بعد از کنگره پلنوم کمیته مرکزی حزب برگزار میشود و لذا تا آخر اجلاس روز یکشنبه در محل خواهند بود.

۳- اگر رفیقی تا کنون برای شرکت در کنگره ثبت نام نکرده است، لطفا فوری ثبت نام کرده و فرم الف که در همین شماره نشریه کنگره آمده است را پر کرده و برای ما ارسال کند.

با احترام

خالد حاج محمدی

۳۰ ژانویه ۲۰۱۲

## پیش نویس آئین نامه کنگره پنج حزب

### پیشنهاد دفتر سیاسی

۱- هیات رئیسه کنگره از طرف دفتر سیاسی، بر اساس توانائی در اداره جلسات، به کنگره معرفی خواهند شد. در هر اجلاس یک نفر از هیات رئیسه، ریاست کنگره را برعهده خواهد داشت.

۲- تمام تصمیمات با اکثریت نسبی آراء نمایندگان تصویب میشود.

۳- رای گیری در کنگره، بجز در انتخابات کمیته مرکزی، علنی است. شمارش دقیق آراء در رای گیری های علنی در مواقعی که

تفاوت رای های موافق و مخالف عیان است ضروری نیست. در صورت نزدیک بودن رای های مخالف و موافق، به تصمیم رئیس و یا با پیشنهاد ۲ نفر از نمایندگان آراء شمرده میشود.

۴- در طرح هر قطعنامه و قرار و پیشنهاد موافق و مخالف به تعداد مساوی صحبت میکنند.

۵- نوبت گرفتن در سالن برای سخنرانی بصورت کتبی است. از میان کسانی که نوبت گرفته اند، در صورتی که به هرکس کمتر از ۱۰ دقیقه وقت برسد، سخنرانان به تعداد لازم به قید قرعه تعیین میشوند.

۷- کفایت مذاکرات به پیشنهاد هیات رئیسه و یا دو نفر از نمایندگان به رای گذاشته میشود.

۸- کنگره تنها به مباحث و پیشنهاداتی میپردازد که از قبل بطور کتبی در اختیار کنگره قرار داده شده باشند و کنگره ورود آنها را به دستور تصویب کرده باشد. هیچ قرار و طرح قطعنامه جدیدی در کنگره دریافت نمیشود و به رای گذاشته نمیشود. (صوبب استثناء بر این قاعده تنها با رای نصف بعلاوه یک نمایندگان مجاز است)

۹- ترتیب جلسات

الف: پیش از دستور:

مارش انترناسیونال اسکوت به احترام جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم

سخنرانی افتتاحیه رئیس دفتر سیاسی  
تصویب آئین نامه و دستور کنگره

ب: دستور پیشنهادی دفتر سیاسی: جمع بندی از رویدادهای اخیر در حزب حکمتیست و قرارهای مربوط به آن

۱۰- انتخابات کمیته مرکزی

۱۱- اختتامیه

۱۲- در پایان هر اجلاس (صبح یا عصر) جمعا ۲۰ دقیقه برای اظهار نظر میهمانان و ناظرین وقت داده میشود. (جمعا چهار نوبت)

**شماره ۴ کنگر روز دوشنبه ۶ فوریه منتشر میشود.**

**مطالب نشریه باید ۵ فوریه بدست من برسد**